

«کیفیت استدلال و استشهاد ملامحمد کاظم هزارجریبی بر گزاره‌های دینی و

چگونگی پاسخ به شبهات»

علی قنبریان^۱

عباس بخشنده بالی^۲

چکیده

شناخت تلاش‌های اندیشمندان در رشته‌های مختلف، نقش بسزایی در رشد، شکوفایی و کشف مسائل نو در آن علوم ایفا می‌کند. یکی از اندیشمندان مسلمان که تأثیرات مهمی در عصرش ایفا نمود، ملامحمد کاظم هزارجریبی استرآبادی است. وی از فعال‌ترین دانشمندان در عرصه تألیف و نگارش در موضوعات متنوع دینی به ویژه در علوم اعتقادی در اواخر دوره زند و اوایل قاجار است. این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به نسخ خطی متعدد با روش توصیفی-تحلیلی به کیفیت استدلال و استشهاد مرحوم هزارجریبی بر گزاره‌های دینی و چگونگی پاسخ به شبهات خواهد پرداخت. یافته‌های تحقیق عبارتند از اینکه ایشان تلاش می‌نمود در فعالیت‌های علمی خود با توجه به وابستگی، عشق و ارادت به ائمه معصومین (علیهم السلام) به مطالعات پُردامنه و عمیق در گزاره‌های دینی پرداخته و نیز تلاش می‌نمود با نگارشی روان، به هججه‌های مخالفان پاسخ دهد. روش‌هایی که وی در استدلال، استشهاد و دفاع از گزاره‌های دینی انجام می‌داد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: استناد به برخی روایات مرتبط، استناد به ادعیه و زیارات، استناد به آراء مجتهدان، اعتماد بر نقل‌های تاریخی و مسموعات. نقدهایی به شیوه استدلال‌ورزی هزارجریبی وارد است؛ همچون تأویل نکردن عبارات عرفا و شعرا و جمود بر ظاهر سخنان آنان، استفاده نکردن از قیاس شعری در قانع کردن خوانندگان، استفاده از شیوه غیرعلمی دشنام و ناسزاگویی نسبت به مخالفان.

واژه‌های کلیدی: محمد کاظم هزارجریبی، استدلال، شبهات دینی، نسخه خطی، برهان.

۱. دکتری مدرسی مبانی نظری اسلام و خارج حوزه علمیه قم، نویسنده مسئول.

Email: Ali.Ghanbarian@alumni.ut.ac.ir

۲. استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مازندران.

Email: a.bakhshandehbali@umz.ac.ir

کرده است پس بعضی آن در ظاهر لفظ نسبت به پیغمبر صلی الله علیه و آله
 داده است چنانکه سبحانه و تعالی فرموده است وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ
 و معنای آن آنست که ما تار و زریان تو می یافتیم که پیغمبری ترا می شناسند
 پس ایشان را هدایت کردیم بپروکت تو و شیخ کراچی رحمه الله روایت
 کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است که چنین
 نیست که هر که هر چه قصد کند قادر بر آن باشد و نه هر کسی قادر بر چیزی
 باشد توفیق آنرا یابد و نه هر کسی که توفیق کاری یابد آنرا بر تو توفیق
 و شروع کرده باشد پس وقتی که مجمع شود نیت و قدرت و توفیق و
 اصابت که آن کردن فعل است بر وفق شرع پس در آن وقت تمام میشود
 سعادتی لَبِئْسَ اللَّهُ الرَّحِيمُ الرَّحِيمُ الرَّحِيمُ الحمد لله رب العالمین و
صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ چنین گوید
 بنده خاخر محمد کاظم بن محمد تقی هراتی حرمی عنی الله عن جرائمهما که
 بهترین حاصلی که دلالت میکند بر کمال ایمان مؤمن آنست که در اضطرار
 باشد بر قضای خدای صبر کند بر بلاهایی که او برای هر بنده از روی
 مصلحت و در اوقات مقدوره کرده است و چون بسیاری از ماها در بسیاری
 از اوقات محنتان را بی تامل میگوئیم و فکر در معنی آنها نمیکشیم و بعضی
 از سخنهای است که صریحست بر عارضی بودن بقضای خدای و بعضی از آنها

کتب معتبره
 کتابخانه مجلس شورای اسلامی
 تهران

رجال جامع علوم انسانی

مؤرخ

صفحه اول نسخه خطی «کاشف العدل» کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مخبر است الحمد لله رب العالمین و صل الله علی محمد و آله الطاهرین
 اما بعد بدانکه قلیل از معجزات شاه مرغان علی بن ابیطالب علیه السلام مؤید
 شیخ کثی روایت نموده که را بهر المؤمنین در روزی در بعضی بالایی منبر فرمود
 که میگویم قولی را که نمیتواند بگوید جز من این قول را هم برادر پندارم
و سپرم او و شوهر دختری او و پدر و دو سبط او پس در آن حال مردی
از اهل بصره برخواست و گفت من میگویم مثل قول تو نمم برادر
رسول و سپرم او پس کلام او مافق هنوز تمام نشده بود که لرزه
بر اندام او افتاد و بر جگر او وارد شد حکایت شیخ مفید از عبد الواحد
دیده روایت نموده که در سالی که بیکه رفتم بودم و مشغول طواف بودم
دختری بر آمدیم که بی برده کعبه چسبیده بود و بیه دختری دیگر گفتگو میکرد
و میگویند نه بحق آنکسی که برکت پله شد برای وصیت و حکم نماز پله بالتوبه
و عدالت نماز پله در قضیه و زوج فاطمه مرضیه چنین نبود پس من
با او گفتم ای جاریه کیست صاحب این صفت گفت والله که این علامات
علامتهاست و تقسیم کننده جنت و نعيم است و او است تربیت کننده این
امت و سرور ائمه و اهل هدايت و برادر معدن رسالت و وصی سید
مرسلین و خلیفه او در امت مولاى من علی بن ابیطالب امیر المؤمنین گفتم
ای جاریه به چه سبب میمانی از حضرت زکوت و الله بدین
از آن کرده آن حضرت بود و در جیبك صفايک در یاری حضرت شهید شده بود
پس روزی بر ما داخل شد اخضر و من و برادرم هر دو آنکه بیرون آورد
بودیم و چشمهای ما صایع شد بود چو تکه مال به آن حالت مشاهده غور بآیت

صفحه اول نسخه خطی «معجزات»

کتابخانه فیضیه، ش: ۱۲۳۹/۵

یک. مقدمه

از ملامحمد کاظم هزارجریبی می‌توان با عناوین متکلم، محدث، مفسر و استاد اخلاق نام برد. در این بین، وجهه کلامی ایشان غلبه دارد و در علم کلام نیز وجهه نقلی ایشان بر وجهه عقلی می‌چربد. وی برای تأثیرگذاری بر توده مردم که غالباً اجنبی و غریب نسبت به دلیل و برهان هستند و به همان اندازه از قوت تخیل بالایی برخوردارند، از روش‌های مناسبی استفاده می‌کند تا تدین و روبه‌سوی‌خدا آوردن در آن‌ها تقویت شود. وی در فهرستی که به سال ۱۲۳۵ق برای آثار خود نوشته است تصریح کرده که مدت سی سال عمر خود را در تتبع اخبار اهل بیت اطهار- علیهم صلوات الملیک الغفار- و جمع و تألیف و ترجمه آنها صرف نموده است (هزارجریبی، فهرست کتب، قم، کتابخانه طبسی (امام رضا ع)، شماره بازیابی: ۶۰۰/۱۵). وجه غالب بر آثار هزارجریبی، منقولات است لیک شاید نه به آن اندازه که از تعبیر مرحوم شیخ آقا بزرگ مستفاد می‌گردد که آثار او را «خالٍ عن التَّحقیق، مقصورٌ عَلَی النَّقْلِ» خوانده است.

در اینجا یک سؤال مهم به ذهن خطور می‌کند که روش مرحوم هزارجریبی در کیفیت استدلال و استشهاد بر گزاره‌های دینی و چگونگی پاسخ‌گویی به شبهات چه می‌باشد؟ با توجه به بررسی‌های عمیق در آثار ایشان و دیگر اندیشمندان، به نظر می‌رسد آن مرحوم با تسلط بر روش‌های مختلف استدلالی از عقل و نقل و درک عمیق دینی توانست با استفاده از براهین مختلف به دفاع از باورهای دینی پرداخته و شبهات احتمالی و وارده را حل و نقض نماید.

با توجه به اینکه مرحوم هزارجریبی جزء اندیشمندان ناشناخته می‌باشد، درباره اندیشه‌های ایشان نوشتار محدودی وجود دارد که می‌توان به چند کتاب درباره تصحیح آثار و معرفی نامه اشاره نمود که متعلق به نویسنده مقاله می‌باشد. در غیر این موارد، اثری دیگر در پیشینه این مسئله وجود ندارد. بنابراین، مسئله حاضر از نوآوری برخوردار بوده و قابل استفاده برای محققان علاقه‌مند در موضوعات مرتبط می‌باشد.

برای اثبات فرض ادعایی، نخست به ویژگی‌های کلی استدلال بر گزاره‌های دینی مرحوم هزارجریبی و پاسخ به شبهات و هجمه‌ها متمرکز شده و سپس، روش استدلالی و چگونگی پاسخ‌گویی وی مورد واکاوی قرار گرفته و گاهی به نقدهایی درباره برخی رویکردهای ایشان توجه می‌شود. با توجه به این که مطالب متنوع و عمیقی از آثار خطی مرحوم هزارجریبی از مراکز مختلف جمع‌آوری و طبقه‌بندی شده، طبق راهنمای نویسندگان مجله نمی‌توان به همه موارد در عناوین ذیل اشاره نمود. به همین دلیل، مهم‌ترین موارد جهت نمونه در دو بخش ویژگی‌ها و روش‌شناسی تبیین می‌گردد.

دو. شخصیت‌شناسی محمد کاظم هزار جریبی

محمد کاظم بن محمد شفیع هزار جریبی (متوفای سال ۱۲۳۷ یا ۱۲۳۸ قمری) از دانشمندان کثیرالآثار شیعی در دوره زندگی و فاجار است. وی در نیمه دوم قرن دوازدهم (بعد از سال ۱۱۵۰ قمری) در هزار جریب مازندران یا استرآباد دیده به جهان گشود. (هزار جریبی، ۱۳۹۷: ج ۱۰)

مکتوبات وی در قالب تألیف، ترجمه، و گردآوری و تدوین است. در حوزه‌های مختلفی همچون: قرآن و تفسیر، حدیث، کلام، و تاریخ قلم‌فرسایی کرده است اما بیشتر آثار وی در جمع‌آوری و شرح و تفسیر احادیث از معصومین (ع) است. وی عنایت ویژه‌ای به مبحث امامت داشته است. با فلسفه و عرفان مخالف است و علاوه بر بحث و گفت‌وگوی شفاهی و ایراد سخنرانی در محافل، نقد این دو مسلک را در برخی از کتاب‌های خویش مطرح کرده است. آقای جويا جهان‌بخش بحث مفصلی را درباره مخالفت هزار جریبی با فلسفه و عرفان، در مقاله «ملا محمد کاظم هزار جریبی و دو رساله غلوستیزانه‌اش» ذکر کرده است. (جهان‌بخش، ۱۳۹۱: ۵۱-۱۱۰)

تألیفات هزار جریبی به هر دو زبان فارسی و عربی می‌باشد ولی چنانچه از دو فهرست ایشان که نسخه‌های خطی آن در کتابخانه طبسی (امام رضا ع) در شهر قم است به نظر می‌رسد، اکثر تألیفاتش به زبان فارسی است و چنانچه خود گوید: «رسائل فارسی، زیاده بر سی عدد است.» (صفری، ۱۳۹۳: ۹۰۷-۹۱۹)

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: احتجاجیه، آداب العشرة، آداب نماز، یومیّه و دعای منقوله، اثبات الصانع و اصول دین، افضلیت ائمه از انبیا (تفضیل الأئمة علی غیر جدّهم من الانبیاء)، افلاکیّه، اقناعیه، الزام الملحدین در مطاعن ملای رومی و غیر او، برهانیه کوچک (البراهین الجلیّه فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّه)، برهانیه بزرگ، تاریخیه فی مقدار اعمار سادات البریّه، تحفه الاخیار، تحفه المجاور، تحفه بقیه‌الله، تذکره الغافلین (تنبیه الغافلین). (میردامادی و قنبریان، ۱۳۹۴: ۱۰۰-۱۰۱)

در صفحه بیست تا بیست‌وسه کتاب «مناظره بحرالعلوم سیدمحمد مهدی بروجرودی طباطبایی (۱۲۱۲ق) با یهودیان ذوالکفل گزارش‌های عربی و فارسی» که توسط زابینه اشمیتکه و رضا پورجوادی نگارش یافته است، تحقیقی درباره آثار هزار جریبی بیان شده است.

پس از وفات وحید بهبهانی در کربلا مجلس درسی تشکیل داد و پس از اندک زمانی و بعد از سیدعلی صاحب ریاض در همان کربلا و در بین مردم مرجعیت یافت؛ هرچند ایام ریاستش دوامی نیافت و پس از مدت کمی از دنیا رفت. (امین، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ۱۵۹)

درباره ملامحمدکاظم هزارجریبی استرآبادی در کتاب های تراجم، زندگی‌نامهٔ علما و در فهرست‌نگاری‌های مربوط به آثار علمی و مکتوبات دانشمندان شیعه، نامش و عنوان رساله‌هایش مذکور است. (هزارجریبی، ۱۳۹۷: ص ۹) از اساتید برجسته ایشان محمدباقر بهبهانی (۱۲۰۸ق) و علی‌بن‌محمدعلی طباطبایی (۱۲۳۱ق) و علامه بحرالعلوم هستند. بیشترین آثار محمدکاظم هزارجریبی در علم کلام است. (ر.ک: سبحانی، ۴۲۴ق (الف): ص ۲۹۴؛ ۴۱۸ق، ج ۳: ص ۶۲۴؛ ۴۲۴ق (ب)، ج ۵: ص ۱۸۹)

سه. پیشینه تحقیق و پژوهش در آثار هزارجریبی

در زمینهٔ بررسی آراء و نظریات دانشمندان، تحقیقاتی تاکنون صورت گرفته است. به عنوان نمونه تحقیقاتی که در زمینهٔ آراء خواجه نصیرالدین طوسی و علامهٔ طباطبایی براساس تألیفات و نگاشته‌های آنان صورت گرفته است؛ اما دانشمندانی هستند، که با وجود دارا بودن آثار فاخر، هنوز اقدامی در شناسایی و تبیین آثار آنان صورت نگرفته است. یکی از این اندیشمندان آیت‌الله هزارجریبی است. ایشان در علوم مختلف به‌ویژه کلام اسلامی داری تألیفات است.

مرحوم هزارجریبی دارای بیش از ۶۰ رسالهٔ فاخر و ارزشمند می‌باشد (برخی از رساله‌ها قابل دسترسی است و در برخی از مخزن‌های نگهداری نُسَخ خطی در ایران مانند کتابخانهٔ ملک موجود است).

پژوهش‌های صورت‌گرفته دربارهٔ هزارجریبی و آثارش:

۱. جويا جهان‌بخش و علی‌اکبر صفری:

تعداد ۳ رساله از هزارجریبی توسط دیگر محققین تصحیح و منتشر شده است با عناوین:

(الف) منبه الملحدین فی رد الغالین.

(ب) کاشف الغلو و هادی اهل العلو.

این دو رساله در کلام و اعتقادات بوده و توسط آقای جويا جهان‌بخش تصحیح گردیده است و در کتاب مزدک‌نامه به چاپ رسیده است.

(پ) فهرست خودنوشت

در کتاب جشن نامه آیت‌الله رضا استادی که به کوشش رسول جعفریان منتشر شده است، مقاله‌ای از آقای علی‌اکبر صفری با نام «فهرست خودنوشت ملا محمدکاظم هزارجریبی» آمده است که دو فهرست خودنوشت آیت‌الله هزارجریبی که در کتابخانه طبسی موجود می‌باشد، به شماره ۶۰۰/۱۵ و ۴۷۱/۲ تصحیح و احیاء گردیده است.

۲. علی قنبریان:

(الف) تصحیح و احیا و چاپ بیش از ۴۰ رساله از هزار جریبی

(ب) انتشار تعدادی مقاله در ارتباط با منظومه فکری هزار جریبی در مجلات علمی همچون:

- مقاله «تبیین و تحلیل دیدگاه محمدکاظم هزار جریبی درباره عرفان و فلسفه»، دوفصلنامه هفت آسمان،

سال ۲۲، شماره ۷۸، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۷-۳۷.

- مقاله «زندگی نامه و آثار آیت الله محمدکاظم هزار جریبی استرآبادی»، فصلنامه اختصاصی مطالعات

فرهنگی میرداماد، سال سوم، شماره ۱۲ و ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۲۱-۳۲.

(ج) رساله دکتری: تصحیح نسخه های کلامی هزار جریبی و تبیین آراء کلامی ایشان، استاد راهنما:

سیدمجتبی میردامادی و سیدجواد نعمتی، سال دفاع: ۱۳۹۸، رشته مدرّسی معارف اسلامی: گرایش مبانی

نظری اسلام، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران.

مطالب مقاله حاضر با تحقیقات قبلی همپوشانی نداشته و برگرفته از رساله های هزار جریبی است.

چهار. ویژگی های استدلال و پاسخ به شبهات

در این قسمت، مشخصات اصلی و مهم استدلال های مرحوم هزار جریبی و پاسخ گویی به شبهات تبیین

می گردد که برخی از مهم ترین آن ها نگارش روان و آسان در این نوع مباحث و تمرکز و عشق به سیره

معصومان (ع) است.

۱- عشق و ارادت به ائمه معصومین (ع)

بیشتر آثار هزار جریبی در تبیین و نشر معارف اهل بیت (ع) است: «فقیر با عدم قابلیت، زیاده بر دوهزار بیت

اخبار نصوص امامت که خدا و رسول (ص) ذکر کردند نو شتم و زیاده بر سی هزار بیت اخبار امامت حضرت

امیرالمؤمنین (ع) را نو شتم و زیاده بر صد هزار بیت کتابت اخبار امامت آن حضرت و فرزندان او (ع) را در هفت

مجلد کتاب نو شتم.» (هزار جریبی، نسخه خطی فواید لطیفه، شماره نسخه: ۱۲۳۹/۶)

ایشان ارادت بسیار زیادی به محمد و آل محمد (ع) داشته است و این امر در نقش مہر وی متبلور گشته

است: «بنده آل محمد کاظم». در فهرست خودنوشتی که از ایشان باقی مانده است، چنین گوید: «اما بعد

چنین گوید: عبد خا طی ابن محمد شفیع، محمد کاظم هزار جریبی عفی اللہ عن جرائمہما که جناب اقدس الہی

به فضل و رحمت خود توفیقی به این ذرہ بی مقدار روزی کرده است که به برکت یاری حق عزوجل و به شفقت

انظار لطف محمد و آل محمد علیه وعلیهم السلام والصلوة الباقیات مادامت الارض و السماوات.» (صفری، ۱۳۹۳: ۹۱۱-۹۱۲) این موارد، حاکی از ارادت خاص وی نسبت به ایشان است.

۲- توجه به هجمه‌های مخالفان

هزارجریبی به مسئله شبهه‌زدایی توجه ویژه‌ای دارد و در کتاب‌هایش به شبهات مطرح‌شده در حوزه‌های مختلف پاسخ می‌گوید. یکی از کتاب‌هایش با عنوان «کنزالفوائد» است. این کتاب دارای ۱۲ باب و یک خاتمه است. در باب اول که با عنوان دفع شبهات واهیه است، شبهات مختلف را مطرح کرده و سپس پاسخ داده است. مثلاً در مورد شبهه اینکه خداوند متعال نور است چنین گوید: «صانع عالم منزّه ازین است؛ زیرا که نور جسم است و از برای او جهت است و حق عزوجل ازین لطیف‌تر و جلیل‌تر است و او خالق نور است.» (همو، نسخه خطی کنزالفوائد، شماره نسخه: ۱۰۰۶)

هزارجریبی به‌عنوان متکلم فقط در پی بیان استدلال بر گزاره‌های کلامی و اعتقادی نیست بلکه همچون طبیبی حاذق که برخی از بیماری‌ها را با دفع سمومی از بدن درمان می‌کند، برخی از کج‌روی‌های اعتقادی را از طریق دفع شبهات کلامی از ساحت اندیشه شیعی درمان می‌کند. هر شبهه مانند لک سیاهی است که بر آینه می‌افتد. طبیعی است اگر کسی در مقام تمییز و پاکیزه کردن آینه از لک‌ها و سیاهی‌ها و کدورات نباشد، به‌مرور سیاهی و تاریکی همه‌جای آن را گرفته و آینه خاصیت خود را از دست می‌دهد.

۳- ارجاعات متعدد به کتاب‌ها و رساله‌های علمی

مقصود نویسندگان از این مطلب آن است که به خواننده تنبه دهند که علامه هزارجریبی در مکتوباتش از کتب علمی بسیاری استفاده کرده و به آن‌ها پیوسته ارجاع داده است و این یکی از نقاط قوت هزارجریبی در استدلال‌ورزی است که برخی از نویسندگان فاقد آن هستند.

به بیان دیگر، یکی از نکاتی که در آثار مرحوم هزارجریبی به‌صورت جدی جلوه‌گری می‌کند مطالعات پُردامنه و وسعت تحقیقات اوست. مرحوم هزارجریبی علاوه بر مطالعه کتب روایی و حدیثی و نیز کتاب‌های کلامی و اعتقادی و نیز ردیه‌هایی که در این باب به رشته تألیف در آمده است، به اصل کتاب‌های نوشته‌شده از سوی فلاسفه و عرفا و دراویش و به دیوان شاعران مراجعه نموده و آنها را مورد مطالعه قرار داده است. به‌طور مثال آنجایی که در نقد عقاید ابن عربی قلم می‌زند تمام مطالبش را مستند به مطالب «فصوص» و «فتوحات مکیه» کرده و از آنها نقل نموده و نقد می‌نماید. در مورد اشعار حافظ، مولوی، جامی، و ... نیز ابتدا اشعارشان را نقل نموده و سپس به تفسیر و تبیین اعتقاداتشان می‌پردازد. (هزارجریبی، ۱۳۹۸: ۲۷-۲۸) همچنین در بین

کتاب‌های مورد مراجعه او، کتاب‌های تاریخی و شرح‌حال‌نویسی متعددی دیده می‌شود که حجم عمده مطالب در باب معرفی اشخاص و نقد شخصیت آنها از این کتابها است. شاید این تعبیر را در برخی کتب که «او حرص و ولع زیادی به مطالعه و بحث و کاوش در کتب داشته است» (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق ب، ج ۵: ۱۷۸)، از میزان مراجعه‌های او به منابع مختلف دریافته‌اند.

۴- نگارش آسان و روان

مرحوم هزارجریبی قصد داشت مذهب تشیع را بین مردم ترویج دهد، لذا برخی از آثارش را به فارسی ساده و روان نوشته است. بنابراین غیرپیچیده بودن برخی از آثارش دلالت بر کم‌سوادی ایشان نمی‌کند. اهداف و اغراض تألیف و ترجمه برخی از کتابها از سوی هزارجریبی و جامعه هدف ایشان، عموم مردم بوده است. در برخی رساله‌ها و مکتوباتش به جهت آنکه مخاطب ایشان عموم مردم بوده‌اند نه جامعه علمی آن روز حوزه‌های علمیه و اهل فن، مجالی برای بحث‌های عمیق استدلالی عقلی و کلامی نبوده است. اگر منصفانه به این مطلب توجه کنیم شاید این را نقطه قوتی در فعالیت‌های ایشان بدانیم که این مطالب را توانست با قلمی روان و ساده در بین مردم و مؤمنین آن روزگار رواج دهد. کاری که در دوره معاصر برخی مراجع فعلی و بزرگان دینی بدان اهتمام جدی داشته و دارند.

هزارجریبی برای تحقق هدفش، برخی مواقع تألیف را کنار گذاشته و به ترجمه روی آورده است. ترجمه «اعتقادات» علامه محمدباقر مجلسی و ترجمه «حدیث عنوان بصری» و ترجمه «مناظره علامه بحرالعلوم با یهودیان ذوالکفل» و ترجمه برخی از احادیث از این قبیل است. هم‌اکنون (سال ۱۳۹۸ شمسی) ترجمه‌های بسیاری از «اعتقادات» محمدباقر مجلسی و «حدیث عنوان بصری» انجام شده است. طبق تحقیقاتی که نگارنده انجام داده است، هزارجریبی در ترجمه این دو کتاب، گوی سبقت را از مترجمان دیگر ربوده است. جامعه هدف ایشان بیشتر فارسی‌زبانان بوده است لذا علی‌رغم توانایی بر عربی‌نویسی اکثر آثارش را به زبان فارسی نوشته است. در واقع برخی از مکتوبات هزارجریبی، کتاب‌های درس دینی بود که به‌طور خودجوش برای عموم مردم نگاشت. وی حتی از آموزش کلام و عقاید و مستدل کردن آن‌ها برای عوام پا را فراتر گذاشت و برای آداب معاشرت در اسلام رساله «آداب العشره» را نگاشت.

ساده‌نویسی هنر است و یکی از مزایای نویسندگی است و این مزیت از هر کسی ساخته نیست. چه بسیار دانشمندان و متخصصانی که قادر به ساده‌نویسی و ساده‌گفتاری نیستند و توده مردم را از نوشتار و گفتار خویش بی‌نصیب می‌گذارند. برخی هم به‌خاطر غرور و وجاهت علمی حاضر نیستند که اصطلاحات را رها کرده و ساده و روان بنویسند و صحبت کنند. بنابراین ساده‌نویسی نه‌تنها نقصی در آثار هزارجریبی نیست بلکه نقطه قوت قلم وی است. ساده‌نویسی مورد تأکید دانشمندان نگارش و ویرایش است (صلح‌جو، ۱۳۹۴: ۱۵۰). رضا بابایی درباره برخی از راهکارهای ساده‌نویسی گوید:

«ساده‌نویسی، نوعی کلیشه‌ستیزی و گاهی حتی ساختارشکنی است و بی‌اعتنایی به قالب‌های غالب و کلیشه‌های حاکم، کار دلیران عرصهٔ قلم است. برای ساده‌نویسی باید معناگرا بود، نه لفظ‌اندیش. به سخن دیگر، کسی می‌تواند ساده و روان بنویسد که قصدش از نوشتن، پیام‌رسانی باشد، نه بازی با کلمه.» (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۴۴)

جهان‌بخش دربارهٔ توجه هزارجریبی به عوام و ارتقاء معرفت دینی آن‌ها در آثارش گوید:

«هزارجریبی بیشترین آثار خود را به قصد انتفاع عموم به قلم آورده و به نوعی در پی همگانی کردن معارف دینی، به‌ویژه آگاهی‌های ضرور عقیدتی، بوده است و اغلب کوشیده تا از راه ترجمه و تحریر ساده و همه‌فهم اخبار و احادیث مربوط به موضوع بحثش، اطلاعات بایستهٔ توده‌های شیعی را در اختیار ایشان بدهد. می‌توان گفت که او فارسی‌نویسی‌های محمدباقر مجلسی را در این زمینه سرمشق خویش قرار داده و البته قالب‌هایی کوچک‌تر و مسائلی جزئی‌تر را برای نگرش و نگارش برگزیده است. وی در مکتوبات خود بارها از مجلسی و آثارش با تحسین و تبجیل یاد کرده و توجه خویش را به فایده‌بخشی عمومی آثار فارسی مجلسی نشان داده است. تصفح آثار هزارجریبی مانند کنزالفوائد به روشنی نشان می‌دهد که وی در باب تصحیح عقاید عوام و تحذیر از پندارهای بی‌بنیاد و ابطال و اوهام بسیار اهتمام داشته است و کوشیده تا باورها و اخبار مجعول و موهوم را - بر حسب تشخیص خود- به نقد کشد.» (جهان‌بخش، ۱۳۹۱: ۵۵)

هزارجریبی برای تأثیرگذاری بر تودهٔ مردم که غالباً اجنبی و غریب نسبت به دلیل و برهان هستند و به همان اندازه از قوت تخیل بالایی برخوردارند، از عنصر خواب و رؤیای صادقانه و امور خارق‌العاده استفاده می‌کند تا تدین و روبه‌سوی‌خدا آوردن در آن‌ها تقویت شود و برای دو عنصر فوق‌علاوهٔ بر آنکه در لابه‌لای مکتوباتش وقایعی ذکر می‌کند، رسالهٔ «تحفة‌الاخیار»^۱ را تألیف می‌کند. مطالعهٔ این کتاب می‌تواند برای عموم مردم سودمند بوده و سبب تقویت ایمان آن‌ها شود. نقطهٔ ضعفی که هزارجریبی در آگاه‌سازی عموم مردم دارد، این است که به هیچ‌وجه از شعر استفاده نمی‌کند. عنصری که گاهی از چند صفحه قلم‌فرسایی راه‌گشا تر و مفیدتر است.

پنج. روش‌های استدلال و پاسخ به شبهات

۱. کتابی دیگر با عنوان «تحفة‌الاخیار» وجود دارد و مؤلف آن مولی محمدطاهر بن محمدحسین شیرازی نجفی قمی است و مشتمل بر هزار بیت فارسی در مدح امیرالمؤمنین (ع) و ردّ صوفیه است. شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب «الذریعة» کتاب مذکور را نام برده و گزارش کرده که از جملهٔ کتاب‌هایی است که در کتابخانهٔ حاج شیخ علی‌اکبر نهبودی موجود بوده است. (نهبودی، ۱۳۸۶: ۴۳).

در این قسمت، مهم ترین روش های استدلالی مرحوم هزارجریبی در استدلال و استشهاد گزاره های دینی و پاسخ به شبهات البته به همراه نقدهایی که به نظر گاهی وارد هستند، تبیین می شود.

۱- نگارش کتاب برای پاسخ

هزارجریبی برخی از رساله‌هایش را برای پاسخ دادن از یک شبهه نگاشته است. به سه مورد اشاره می‌شود:

الف) برخی، پیامبران (ع) را از معصومین (ع) اشرف و افضل می‌دانند. به بیان دیگر این افراد از مقصّر هستند که در حقّ ائمه (ع) و شأن آنان کوتاهی کرده‌اند. به نظر هزارجریبی بنابر اخبار بسیار، ائمه (ع) از پیامبران سابق افضل هستند. وی برای ردّ شبهه فوق و اثباتِ افضلیت ائمه (ع) رساله «برهانیه/ البراهین الجلیّه فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریّه» را نگاشته است. هزارجریبی در رساله فوق هشت برهان بر افضلیت ائمه (ع) از پیامبران سابق آورده است. وی در برهان هفتم، مطرح کرده که ائمه (ع) برخلاف پیامبران سابق مرتکب ترک اولی نشده‌اند و این یکی از وجوه افضلیت ائمه (ع) است.

ب) وی رساله «کاشف‌العدل» را در پاسخ به افرادی نگاشته است که در بلاها و مصیبت‌ها بی‌صبری^۱ می‌کنند و راضی به قضا و قدر الهی نبوده و سخنان کفرآمیز گفته و عدالت خداوند متعال را زیر سؤال می‌برند. (هزارجریبی، کاشف‌العدل، کتابخانه طیبی: شماره نسخه: ۶۰۰/۹؛ کتابخانه مجلس، شماره نسخه: ۴۵۲۷/۳)

ج) وی برای پاسخ‌گویی از شبهه کراهت اقامت در کربلا، کتاب «تحفه‌المجاورین» را نوشته است و قضایایی را نقل کرده است و محدث نوری در کتاب «دارالسلام فی ما یتعلّق بالمنام» چند تا از حکایت‌های ایشان را نقل می‌کند.

۲- استفاده از روش حلی و نقضی

استدلال بر دو قسم است: حلی و نقضی. برخی از این دو به جواب حلی و جواب نقضی نیز تعبیر می‌کنند. مهم‌ترین اصل پاسخ‌گویی به شبهات، شروع با پاسخ‌های نقضی است. پاسخ نقضی باعث می‌شود که استدلال شبهه‌گر و دژی که در آن سنگر گرفته است، در هم فرو ریزد و پس از فروریختن دژ شبهه‌گر است که پاسخ‌های حلی کاربرد دارد. تا استدلال شبهه‌گر فرو نریزد او به هیچ‌وجه تسلیم حقایق نخواهد شد. نکته مهمی که در پاسخ‌های نقضی وجود دارد این است که نقض باید از اصول یقینی و بدیهی عقلی یا از معتقدات

۱. مشتقات مختلف ریشه «صبر» ۹۳ مرتبه در قرآن ذکر شده است.

شبهه‌گر باشد تا او را بر سر دوراهی قرار دهد که یا باید از استدلال خودش دست بردارد یا در برابر بدیهیات بایستد. آنچه جواب سؤال است در واقع پاسخ‌های حلی است که سؤال را برطرف می‌کند و کسی نباید به ارائه پاسخ نقضی اکتفا کند (محمدی، ۱۳۸۸: ۴۷ و ۵۱).

هزارجریبی در مکتوبات خویش هیچ‌گاه نام دو اصطلاح روش حلی و روش نقضی را تصریح نکرده است. شاید این دو اصطلاح در زمان وی وجود نداشته و از مستحدثات دانشمندان در کلام جدید یا فلسفه غرب در دوران معاصر است. در استدلال‌ورزی و همچنین پاسخ‌گویی به شبهات از هر دو شیوه استدلال حلی و نقضی استفاده کرده است؛ گرچه از استدلال نقضی بسیار کمتر و محدودتر بهره گرفته است. محتمل است که ایشان، استدلال نقضی را از اساس فاقد توانائی کشف حقایق قلمداد کرده است.

نمونه‌ای از استدلال نقضی در مکتوبات هزارجریبی:

[پیامبر به یهود] فرمود که چه چیز شما را باعث شده است که گفتید عزیر پسر خداست؟ گفتند از برای آنکه او زنده کرده است از برای بنی‌اسرائیل تورات را بعد از آنکه از میان رفته بود و نکرد او این را مگر آنکه او پسر خداست. حضرت رسول^۱ فرمود که چگونه او پسر خدا شده است و موسی پسر خدا نشده است با آنکه موسی تورات را برای ایشان آورده است و معجزات از او دیده شده است و شما دانستید آن‌ها را. پس هرگاه عزیر پسر خداست برای آن کرامتی که از او ظاهر شده است به احیاء تورات پس موسی به سبب نبوت و پیغمبری و علو مرتبه او از عزیر، احق و اولی است به این زیرا که هرگاه این مقدار از کرامت از برای عزیر باعث آن گردد که باید عزیر پسر خدا باشد پس اضعاف این کرامت از برای موسی باعث می‌گردد منزلتی را جلیل‌تر و بلندتر از نبوت باشد و اگر اراده کرده‌اید دلالت کردن آن را بر پسر بودن بر آنچه مشاهده می‌کنید در این دنیا از متولد شدن اولاد به وطنی کردن پدران اولاد مادرهای ایشان را پس به تحقیق که کافر شده‌اید به خدا و تشبیه کرده‌اید او را به خلق او و ثابت کردید در او صفات محدثین را و واجب است نزد شما اینکه چنین کس حادث و مخلوق باشد و از برای او خالق باشد که او را ساخته باشد و ایجاد کرده باشد.^۱

نمونه‌ای از استدلال حلی در مکتوبات هزارجریبی:

هزارجریبی در فصل چهارم از رساله «برهانیه بزرگ / البرهان الجلیه فی اثبات حقیه الاثنی عشریه» براهین متعددی در اثبات حقانیت مذهب تشیع آورده است. متن ذیل بخشی از برهان هفتم است:

۱. محمدکاظم هزارجریبی، مناظره پیامبر اکرم^۲ با ادیان دیگر: تصحیح رساله احتجاجیه، ص ۲۳-۲۴.

«آن است که مخالفان گفته‌اند که نصب امام بر حقّ تعالی لازم نیست، بر خلق لازم است. این سخن باطل است به چندین وجه: اول آنکه امامت تالی نبوت است. چنان که تعیین پیغمبر بر خداوند عالم لازم است - زیرا که نبوت لطف است و لطف بر حقّ تعالی لازم است که از برای ارشاد خلق به چیزهایی که باعث اصلاح معاش و معاد بندگان [است] نماید - امامت نیز چنین است. دوم آنکه حجّت خدا که مردم به اطاعت او به رشد و صلاح خود برسند، نمی‌شود مگر آنکه آن حجّت معصوم باشد از لغزش و خطا و دروغ و از جمیع اعمال ناشایسته. و شکی نیست که عصمت امری باطنی است و غیر علّام‌الغیوب کسی به آن مطلع نیست.»^۱

۳- برهان سازی

وی در رساله‌هایش به تمامی پنج اصل عقیدتی (توحید، نبوت، امامت، معاد، و عدل) پرداخته است و دغدغه‌اش آگاه‌سازی عوام و دفاع از اصول عقاید شیعه در برابر هجمه‌های فکری بوده است. در اثبات آن‌ها استدلال‌ات مناسب را به کار گرفته است. مثلاً در مباحث مربوط به توحید، از دلایل عقلی بیشتر استفاده کرده است مانند: برهان نظم و برهان امکان. (حائری هزارجریبی، کاشف‌العلوّ و هادی‌أهل‌العلوّ، شمارهٔ نسخه: ۶۰۰/۱۳) هزارجریبی در ابتدای رسالهٔ «منبّه‌المغرورین» و بعد از ذکر مقدمه‌ای، در اثبات اصل وجود خداوند، بدون تصریح به عنوان «برهان نظم» از این برهان استفاده می‌کند و به ذکر آیات، نشانه‌ها، و نظم در آفاق و انفس اشاره می‌کند و بعد از شمردن مصادیق نظم، برای تکمیل کردن بحث و تأیید سخنانش، به آیه‌ای از قرآن استناد می‌کند.

اینکه هزارجریبی در آثارش از صنعت مغالطه و خطابه استفاده نمی‌کند، غیرطبیعی نیست. زیرا خطابه قیاسی است که مفید تصدیق غیرجازم بوده و هدف از آن قانع‌ساختن مردم است و غالباً برای خطیب و در حضور مستمعان است. (المظفر، ۱۳۸۸ ق: ۳۲۸)

وی هیچ‌گاه در لابه‌لای آثارش برای استشهاد یا تحت‌تأثیر قرار دادن خوانندگان آثارش از شعر استفاده نکرده است نه اشعار فارسی و نه اشعار عربی و این نقصی در نویسندگی وی است زیرا از شعر می‌توان در قانع کردن خوانندگان و لطیف کردن فضای بحث بهره گرفت. وی در نقد عارفان و متصوفه، اشعاری را از شاعران

۱. نسخهٔ خطی برهانیهٔ بزرگ / البرهان الجلیه فی اثبات حقیقه الاثنی عشریه، قم، کتابخانهٔ طبسی (امام رضا(ع))، شمارهٔ بازیابی: ۳۰۷/۱۰؛ نسخهٔ خطی برهانیهٔ بزرگ / البرهان الجلیه فی اثبات حقیقه الاثنی عشریه، قم، کتابخانهٔ مرعشی نجفی، شمارهٔ بازیابی: ۷۲۸۰.

آن‌ها مانند مولوی، حافظ، عرفی شیرازی، و عطار نیشابوری آورده و نقد کرده است. (ر.ک: هزارجریبی، نسخه خطی منبّه الجہال، شماره بازبایی: ۵-۱۴۳۲۱)

بررسی و نقد؛ این نقضی در نویسندگی وی است؛ زیرا اگر چه از منظر حکمای اسلامی ارزش قیاس شعری و مخیلات بسیار کم‌تر از ارزش یقینیات و قیاس برهانی است، ولی از شعر می‌توان در قانع کردن خوانندگان و لطیف کردن فضای بحث بهره گرفت.

کلام وی درباره حافظ و دیگر شاعران عارف قابل رد و نقض است، زیرا صبغه غالب در شعر شاعران مسلمان به‌ویژه شعرای نامدار گذشته، دینی بودن است. سرتاسر «مثنوی معنوی» مولوی اشارات و پیام‌های دینی است. این اشعار ارتباط مستقیم و مثبتی با موضوعات و مضامین دینی دارند و به همین دلیل عالی‌ترین جلوه هنر دینی هستند (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

۴- استناد به روایات

هزارجریبی در آثار خویش در بیان و اثبات گزاره‌های کلامی و اعتقادی بسیار از روایات استفاده کرده است. به تعبیری احادیث برجای‌مانده از معصومین (ع) دست‌به‌عصای وی بوده که در هنگام استدلال‌ورزی به کار می‌گرفته است. نکاتی درباره چگونگی استدلال و استشهاد ایشان به روایات ذکر می‌شود:

الف) دأب و منش علمی ستودنی هزارجریبی آن است که بسیاری از مواقع برای اثبات اصلی یا فرعی از کلام شیعی، روایات بسیاری را ذکر می‌کند. این روایات خانواده حدیثی را تشکیل داده و برخی مواقع به حد تواتر معنوی رسیده و با قدرت و توان بالا، مدعای مطرح‌شده را مستدل و غیرقابل اجتناب می‌کند. به‌عنوان نمونه هزارجریبی در رساله «کاشف‌العدل و مبین‌الفضل»^۱ (همو، نسخه خطی کاشف‌العدل، کتابخانه طبسی (امام رضا(ع))، شماره بازبایی: ۶۰۰/۹؛ کتابخانه مجلس، شماره بازبایی: ۴۵۲۷/۳)

ب) برای اثبات گزاره‌ها، به‌صورت خشک و خالی روایات را بیان نمی‌کند بلکه گاهی از اصطلاحات «متواتر»، «صحیح»، «حسن»، «معتبر»، «حسن‌کالصحیح»، «آیات متکثره»، «خبر مشهور»، «احادیث بسیار»، «اخبار کثیره»، «اطلاق حدیث»، «معارض اخبار»، «اخبار آحاد»، «درایت»، «قطع»، «ظن»، «حدیث مجمل»، و «سند معتبر» (همو، نسخه خطی کاشف‌العدل، کتابخانه طبسی امام رضا(ع)، شماره بازبایی:

۱. در برخی از نسخه‌های خطی از این رساله با عنوان «کاشف‌العدل و مبین‌الفضل» نام برده شده است.

۶۰۰/۹)، «مقطوعه» (همو، مجموعه آثار محمدکاظم هزارجریبی: کاشف العدل اقناعیه برهانیه: ۶۶) استفاده می‌کند تا درجه اعتبار استدلالش را ارتقا دهد.

ج) برخی مواقع نام راوی معتبر و ثقه‌ای که از امام(ع) حدیث را بدون واسطه شنیده مانند زراره و عبدالله بن سنان یا کتاب و منبع اصلی که روایت را از آن آورده یا نام نویسنده کتاب را می‌برد، تا در قبال آبروی راوی، کتاب مادر، و نویسنده‌اش، روایت آبروداری شود. به عنوان نمونه «کلینی رضوان الله علیه به سند معتبر از ابوبصیر روایت کرد که حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: اصول کفر یعنی ریشه آن سه چیز است: حرص و استکبار و حسد.» (همو، فواید و برکات اسلام و ایمان: تصحیح رساله دعائم الاسلام: ۵۶)

د) هزارجریبی صرفاً به نقل روایات اکتفا نمی‌کند بلکه برخی مواقع از روایاتی که بین مدالیل روایات است خبر داده است. مثلاً وی در بحث از مستضعفان شیعه در رساله «کاشف العدل و مبیین الفضل» از تضاد دو دسته از روایات خبر داده است. سپس طبق قاعده معروف «الجمع مهمما امکن اولی من الطرح» (سبحانی، ۱۳۹۶: ۹۲) رفع تعارض کرده و دو دسته روایت متضادنا را جمع کرده است (هزارجریبی، مجموعه آثار محمدکاظم هزارجریبی: کاشف العدل اقناعیه برهانیه: ۵۶-۵۸).

۵- استناد به ادعیه و زیارات

دعاها و زیارت‌نامه‌های معتبر و مستند که صدور آنها از معصومین(ع) ثابت شده است، حجت است و می‌توان در گزاره‌های دینی به آنها تمسک کرد؛ همچون زیارت عاشورا، دعای کمیل، و صحیفه سجادیه. هزارجریبی در شناخت نقلی، به زیارات و ادعیه توجه کرده و به آنها برای اثبات سخنانش استدلال کرده است.

جوادی آملی دعا را چنین تعریف کرده است: «دعا در اصطلاح دینی، به معنای روی آوردن به خداوند و درخواست از او، با حالت خضوع است.» (جوادی آملی، ادب فنای مقربان: ۵۶) مفهوم واژه زیارت با معنای واژه‌هایی مانند رؤیت، مشاهده، و ابصار متفاوت است. (اسحاقی، ۱۳۹۰: ۲۳)

نمونه‌ای از استدلال به ادعیه و زیارات در مکتوبات هزارجریبی از رساله برهانیه کوچک: «بزرگواری و تفضیل ایشان^۱ در اخبار بسیار موجود است و از جمله آنها فقرات زیارات است، چنان‌که امام علی النقی صلوات الله و سلامه علیه در زیارت «جامعه» می‌فرماید: فَبَلِّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَ أَعْلَى مَنَازِلِ

۱. ایشان: ائمة معصومین(ع).

المُتَّقِبِينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ (ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج: ۲: ۶۱۳)، تا آخر فقرات. و حضرت امام حسن عسکری (ع) در زیارت «غدیر» فرموده است که گواهی می‌دهم که محمد و آل او علیه و علیهم السلام سادات خلق‌اند، و در زیارت «آل یاسین» که از ناحیه مقدسه بیرون آمده است، در آن زیارت حضرت قائم^۱ فرموده است که گواهی می‌دهم که حبیبی نیست مگر محمد و اهل بیت او. و در دعای زیارت عاشورا مذکور است: حَتَّىٰ فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ (طوسی، ۴۱۱ ق، ج: ۲: ۷۷۸) «هزار جریبی، مجموعه آثار محمد کاظم هزار جریبی: کاشف العدل اقناعیه برهانیه: ۱۰۹-۱۱۰»

۶- استناد به امور خارق‌العاده

هزار جریبی به صورت محدود، گاهی برای تشویق و تحریک به دینداری برخی از امور خارق‌العاده را بیان می‌کند. از آن موارد می‌توان به امر خارق‌العاده‌ای که از استاد خویش، وحید بهبهانی، نقل کرده است، نام برد (ر.ک: حائری هزار جریبی، رساله تحفه الاخیار).^۱ متخصصان علوم مختلف گواهی می‌دهند که کارهای خارق‌العاده بر اساس قوانین علوم مادی و تجربی انجام نمی‌یابد برخلاف امور غیر خارق‌العاده مانند پدیده‌هایی فیزیکی، شیمیایی، زیستی، و روانی که از راه اسباب و عللی است که با آزمایش‌های گوناگون قابل شناخت است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۶). در این قسمت دو نمونه از امور خارق‌العاده در مکتوبات هزار جریبی تبیین می‌شود:

الف) وی در اواخر رساله «جدلیه» ضمن بیان اوصاف و ویژگی‌های علامه بحر العلوم، از برخی از امور خارق‌العاده درباره وی گزارش کرده است: «و آنچه بعضی از اصدا نقل می‌کنند، گشوده شدن در صحن و در روضه حضرت امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه برای جناب سید محمد مهدی رضوان‌الله‌علیه و دیدن او امام (ع) را، هر چند که نزد بنده درست ثابت نشده است، ولیکن از چنین بزرگواری این امر دور نیست و الله العالم بالحق و الصواب.» (هزار جریبی، نسخه خطی جدلیه: شماره نسخه: ۱۴۶۲۸-۵).

ب) وی برخی از کرامات و امور خارق‌العاده را در ارتباط با ائمه معصومین (ع) نقل می‌کند. از آنجا که وقوع چنین اموری به دست معصومین امتناع عقلی ندارد، سند روایات بایستی بررسی شود و در صورت صحیح

۱. رساله تحفه الاخیار به صورت عکسی می‌باشد که از کتابخانه مرکز احیاء در قم (شماره نسخه: ۳۶۲۹) و کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران (شماره نسخه: ۴۵۲۷/۷) استفاده شد.

بودن سند و نبود روایات معارض آن‌ها را پذیرفت(همو، نسخه خطی اثبات‌الصانع و اصول دین، شماره: ۱۴۶۲۸-۵).

بررسی و نقد: امور خارق‌العاده همان محال عرفی است و وقوع ذهنی و خارجی آن ممتنع نیست. صدور امور خارق‌العاده از سوی پیامبران(ع) معجزه و از طرف غیرآنان، کرامت نامیده می‌شود. دو اشکال بر هزارجریبی وارد است:

الف) ایشان رساله‌ای فارسی درباره فضایل و مناقب حضرت علی(ع) دارد و نام آن را «معجزات» گذارده است. در مقدمه رساله چنین گوید: «اما بعد بدانکه قلبی از معجزات شاه مردان علی بن ابی طالب(ع) ذکر می‌شود.»(همو، نسخه خطی معجزات، شماره نسخه: ۱۲۳۹/۵) در کتاب «شرح کشف‌المراد» در شرط چهارمی که برای معجزه بیان می‌کند، چنین گوید: «اظهار معجزه همراه با ادعای نبوت و پیامبری باشد. یعنی به دنبال ادعای نبوت چنین کاری از او صادر شود بنابراین کارهای شگفت‌آور صلحا و اولیاء الهی و ائمه(ع) معجزه نیست بلکه کرامت نام دارد.»(محمدی، ۱۳۷۸: ۳۶۴) بنابراین، بجا و بایسته بود از عنوان «معجزات» برای رساله استفاده نشود.

ب) اشکالی دیگری که در این قسمت به هزارجریبی وارد است آنکه ایشان امور خارق‌العاده را که در رابطه با فقها و اصولیانی همچون علامه بحرالعلوم و محمدباقر بهبهانی است، نقل کرده و مهر صحت بر آن‌ها می‌نهد یا سکوت کرده و آن‌ها را نقد نمی‌کند ولی درباره امور خارق‌العاده منسوب به عرفا و متصوفه که در «تذکره‌الاولیاء» و «نفحات‌الانس» و کتاب‌های عرفانی دیگر ذکر شده، به شدت موضع‌گیری کرده و آن‌ها را رد و نقض می‌کند.(ر.ک: هزارجریبی، نسخه خطی منبّه‌المغروورین، شماره نسخه: ۳۲۱۴۹-۵)

۷- استناد به آراء متکلمان

اگر شخصی بدون پیش‌فرض و غرض، آثار مرحوم هزارجریبی را مطالعه کند به این مطلب که نگارنده آن، به علوم عقلی و مباحث کلامی و فلسفی تسلط داشته و لاقلاً نسبت به این مطالب بیگانه نیست اعتراف خواهد کرد. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد در برخی آثار و مکتوبات ایشان به فراخور حال، تبیین آراء فلاسفه و حکما و نیز استدلال‌ات عقلی جهت رد آن ادله را مشاهده می‌کنیم. اما اینکه او را شخصیتی کم‌اطلاع نسبت به مباحث عقلی و ناآشنا نسبت به فلسفه و علوم عقلی بدانیم شاید به نوعی اجحاف در حق وی و بی‌انصافی باشد. گواه بر این مطلب، شاگردی او نزد حکیم بیدآبادی و حضور در حوزه علمی قزوین که مشهور به علوم عقلی است، می‌باشد (امین، ۱۴۰۸ ق، ج ۴: ۱۵۹).

مرحوم هزارجریبی به لحاظ فکری بر آراء آن دسته از متکلمانی که روشی متفاوت با فلاسفه و حکماء داشته‌اند معطوف بوده و در نقد آراء فلاسفه، کاملاً هم‌سو با ایشان بوده است؛ لذا در مقام نقد آراء این سه گروه به تنهایی وارد میدان مبارزه نمی‌شود بلکه در مواردی که احساس می‌کند که باید به همراه عِدّه و عُدّه وارد معرکه شود به نقل اقوال و آراء ایشان می‌پردازد. (هزارجریبی، ۱۳۹۸: ۳۳-۳۴) برای مثال در مورد وجود عقاید باطل در فلسفه به عبارت خواجه نصیرالدین طوسی در رساله «فصول» استناد می‌کند و یا عمده تمرکز او بر آراء فقهاء و متکلمین شیعه مانند قاضی نورالله شوشتری و سید محمد مهدی شهرستانی و آقا محمدعلی بهبهانی و سید بحر العلوم و میرزای قمی است. (هزارجریبی، نسخه خطی منبه‌الجهال علی وصف رئیس اهل الضلال، کتابخانه ملی، شماره نسخه: ۵/۱۴۳۲۱)

۸- اعتماد بر نقل‌های تاریخی و مسموعات

مطالبی که مرحوم هزارجریبی در باب نقد شخصیت‌ها ارائه نموده است نشان‌دهنده وسعت اطلاعات تاریخی و آشنایی با شرح حال بسیاری از این شخصیت‌هاست. وی از کتاب‌هایی که در این موضوعات و حتی موضوعات دیگری نگارش یافته‌اند استفاده کرده است. برخی از کتاب‌هایی که هزارجریبی از آن‌ها استفاده کرده است، عبارت‌اند از: الاقتصاد؛ الغیبه شیخ الطائفه طوسی (م ۴۶۰ق)؛ تبصره العوام (تبصره العوام و معرفه مقالات الانام) سیدمرتضی حسینی رازی (قرن ششم)^۱؛ تاریخ حکماء الاسلام ظهیرالدین بیهقی (م ۵۶۵ق)؛ تذکره الاولیاء فریدالدین محمد عطار نیشابوری (م ۶۲۷ق)؛ رشف النصایح (رشف النصایح الایمانیه و کشف الفضایح الیونانیه) شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی (م ۶۳۲ق)؛ الصراط المستقیم الی مُستحقی التقدیم علی بن یونس نباطی بیاضی (م ۸۷۷ق)؛ مجالس العشاق منسوب به سلطان حسین میرزا بایقرا تیموری گورکانی (م ۹۱۱ق)^۲؛ فواتح یا الفواتح السبعه کمال‌الدین حسین میبیدی (م ۹۱۱ق)؛ مجالس المؤمنین قاضی

۱. سیدصفی‌الدین ابوتراب مرتضی‌بن داعی حسینی رازی ملقب به علم‌الهدی رازی. البته برخی به متکلمان دیگری که تشابه اسمی با ایشان دارند نیز نسبت داده‌اند. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۳۱۸)

۲. برخی این کتاب را به کمال‌الدین حسین طبسی گازرگاهی نسبت داده‌اند. (همان، ج ۱۹: ۳۶۲)

نورالله مرعشی شوشتری (شهید ۱۰۱۹ق)؛ میزان؛ روضه‌الواعظین؛ احیاء علوم؛ منقذ؛ سرالعالمین؛ شرح
تجرید؛ اعتقادات محمدبن بابویه قمی. (هزارجریبی، ۱۳۹۸: ۳۵-۳۶)

۹- استناد به ظاهر عبارات عرفا و شعرا و تأویل آیات و روایات

از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در رساله‌ها و کتاب‌های مرحوم هزارجریبی نمود دارد، پرهیز جدی او از تأویل و تفسیر عبارات و کلمات عرفا و صوفیان و شعرا از معنای ظاهریشان است. وی این‌گونه تأویلات را اساساً باطل دانسته و معتقد است که نویسندگان متون و سرایندگان اشعار کاملاً با توجه به همین معانی ظاهری خواسته‌اند مقصود و مراد باطنی خویش را ارائه دهند. کلماتی مانند شراب، مستی، غنا، معشوقه، شاهد، و ... به همان معانی مذموم و ناپسندی که در عرف امروز و آن روزگاران بوده باید حمل شوند نه اینکه کنایه از معارف و مقامات و حالات خوش عارفان و اهل دل و سالکان باشد. (هزارجریبی، ۱۳۹۸: ۳۷-۳۸)

هزارجریبی در رساله «فوائد لطیفه» در ردّ تأویل سخنان متصوفه و شاعران چنین گوید:
«بر ما واجب است که هر سخن از کسی ببینیم یا بشنویم که در ظاهر آن سخن خلاف حقّ باشد، باید که آن کس را برای آن سخن مؤاخذه کنیم. اگر دلالت می‌کند در ظاهر بر کفر گوینده باید که آن کس را کافر بدانیم برای حفظ شریعت، چنان‌که دأب علمای ما پیوسته چنین بود و چنین است در کتاب‌های... زیرا که اگر چنین نمی‌بود و قول‌های باطل مردم را تأویل می‌کردند دیگر باید کتاب حدود را شست و سخن رده هیچ کس را کفر ندانست و ناموس شریعت برطرف خواهد شد.» (نسخه خطی رساله فوائد لطیفه، کتابخانه فیضیه، شماره بازیابی: ۱۲۳۹/۶)

یکی از اشکالاتی که هزارجریبی به حکما کرده، آن است که حکما و فلاسفه از راه تأویل ضرر و زیان بسیاری به دین رساندند. بنابراین، تأویلات حکما براساس معیار و ضوابطی که هزارجریبی قبول داشته است، نبود:

«بدانکه این طایفه حکما خرابی بسیاری به دین حقّ رسانیده‌اند از راه تأویل.» (نسخه خطی منبّه‌المغروین، کتابخانه ملی، ش: ۳۲۱۴۹-۵)

هزارجریبی روایات را تأویل می‌کند. تأویل روایت هزارجریبی با روایات دیگر است نه از جانب خودش؛ همانند مشی شیخ صدوق در کتاب «معانی‌الاحبار» یا مانند علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» که آیات قرآن را با آیات دیگر تفسیر و تأویل کرده است:

«از برای او طلب معلّم و استادی را که انس داشته باشد به کلام اهل بیت^۱ و اخبار ایشان و اعتقاد به آن‌ها داشته باشد نه آنکه اعتقاد به ظاهر آن اخبار نداشته باشد بلکه آن‌ها را تأویل نماید با رأی خود.» (نسخه خطی منبّه‌المغروین، کتابخانه ملی، ش: ۳۲۱۴۹-۵)

هزار جریبی رساله مختصر و موجز «رافعة التوهم» را درباره نفی غلو و نقد آن نگاشته است. مطالب رساله بر مدار حدیثی از حضرت علی (ع) است که دلالت بر غلو و اسناد خلق و روزی و میراندن به آن حضرت می‌کند. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در این حدیث فرموده است که «من خلق می‌کنم و من روزی می‌دهم و من زنده می‌گردانم و من می‌میرانم».

در این رساله هزار جریبی به نقد و چالش کشیدن تفکر غالبان پرداخته است. وی روایت منسوب به حضرت علی (ع) را نادر، غیرمعتبر، و خیر واحدی دانسته که افاده علم و یقین نمی‌کند. سپس معتقدان به چنین روایاتی را کافر و مشرک خوانده و با روایتی از امام صادق (ع) دو تأویل از آن ارائه کرده است. مشی علمی هزار جریبی در رویارویی با حدیث غلو منسوب به علی (ع) تحسین برانگیز است. وی بعد از نقد روایت و بیان تضاد آن با اصل ضروری توحید و احکام آن، با سلیقه شخصی خویش روایت را تأویل نکرده است بلکه از روایاتی دیگر استفاده کرده است: (قنبریان، ۱۳۹۸: ۲۶۵-۲۶۶)

تأویل اول هزار جریبی از حدیث منسوب به حضرت علی (ع):

«از حضرت امام جعفر صادق (ع) معانی این الفاظ را سؤال کردند. حضرت فرمود که مراد آن حضرت آنست که خدا آنچه خلق می‌کند برای خاطر ما و سبب ما می‌کند و اگر ما نمی‌بودیم خدا هیچ چیز را خلق نمی‌کرد و معنی رازق آنست که حق تعالی خلق را به سبب ما و برکت ما، روزی می‌دهد و به سبب ما ایشان را زنده می‌دارد و به سبب ما ایشان را می‌میراند تا آنکه دوستان ما را به نعیم ابدی رساند و دشمنان ما را به عذاب الیم ابدی رساند.»

تأویل دوم هزار جریبی از حدیث منسوب به حضرت علی (ع):

«و معنی دیگر چنان که در احادیث وارد شده است آنست که دل دوستان ما را به سبب دوستی ما زنده و نورانی می‌گرداند و دل دشمنان ما را به سبب عداوت و دشمنی ما به کفر و نفاق می‌میراند و تیره و تاریک می‌گرداند نه آنکه این کارهای خدا را آن حضرت کرده باشد یا کند (نسخه خطی رافعة التوهم، قم، کتابخانه طبسی (امام رضاع)، شماره بازیابی: ۳۰۷/۷).

بررسی و نقد:

هزار جریبی برخلاف گفتار عارفان و شاعران، در مکتوبات خویش متون دینی (آیات و روایات) را بارها تأویل کرده است. هزار جریبی آیات و روایاتی را که دلالت بر رؤیت خداوند کند، تأویل به ادراک به دیده دل کرده است یا آنچه که دلالت کند گناه از انبیاء سابق صادر شده است، همه مؤول است و ترک اولی است و مکروه است. (نسخه خطی اثبات الصانع و اصول دین، قم، کتابخانه مسجد اعظم، شماره نسخه: ۴۱۴/۱) چطور وی به راحتی برخی از احادیث را که مشعر به کفر یا شرک است، تأویل می‌کند اما وقتی به بیان آراء

عرفا، فلاسفه، و شاعران می‌پردازد، جمود بر ظاهرگرایی و اخذ بر ظاهر گفتار آنان داشته و کلام آنان را تأویل‌ناپذیر می‌داند؛ به‌ویژه در شعر.

۱۰- نقد مکاتب فکری و کلامی

۱.۱۰. مکاتب فکری

این مکاتب در ارتباط با هزارجریبی دو دسته هستند:

الف) مکاتب فکری معاصر با هزارجریبی:

سه مکتب فکری در روزگار هزارجریبی متولد شده و تا حدی شکل گرفته‌اند: وهابیت، شیخیه، و اخباری‌گری. جالب آنکه هزارجریبی در آثارش متعرض هیچ‌کدام از این سه مکتب نشده است فقط ظاهراً دو مرتبه به‌صورت گذرا و سریع نامی از اخباری‌گری برده است. جالب‌تر آنکه استادش وحید بهبهانی در خط مقدم نبرد فکری با اخباری‌گری است و کتابی در نقد آرا و اندیشه‌های آن‌ها نگاشته است اما صدایی از هزارجریبی بلند نشده است و تحلیل و نقدی نکرده است یا آنکه در کربلا علیه شیخیه و اخباری‌ها شورش‌ها و مبارزه‌هایی در زمان هزارجریبی به وقوع پیوست و برخی از بزرگان آن‌ها که ساکن کربلا بودند کشته شدند (میرزا محمد اخباری) یا از سرزمین کربلا (شیخ احمد احسائی) طرد شدند، اما این موارد سبب نشد تا هزارجریبی سکوت خود را بشکند و فریاد نه بلکه حرفی بزند.

نقد و بررسی

تنها دلیلی که برای سکوت هزارجریبی می‌توانم ادعا کنم آن است که هزارجریبی این سه مکتب معاصر با خویش را بی‌خطر یا کم‌خطر می‌دانست. البته همان‌طور که قبلاً گذشت مبانی فکری این سه مکتب در آثار هزارجریبی به‌صورت غیرصریح و غیرمستقیم نقد شده است.

ب) مکاتب فکری مقدم بر هزارجریبی:

در مکتوبات هزارجریبی به سه مکتب فکری توجه ویژه‌ای شده است: عرفان و تصوف؛ فلسفه؛ غلو. هزارجریبی در قلم‌فرسایی‌های کلامی خویش به‌مناسبت و در خلال مباحث به نقد سه فرقه فوق پرداخته است. می‌توان غلو را در آثار هزارجریبی از دو جنبه بررسی کرد: غلوکنندگان به ائمه معصومین^ع و غلوکنندگان به رهبران تصوف و عرفان.

علاوه بر مباحث پراکنده، هزارجریبی چهار اثر خویش را به نقد عرفان، تصوف، و فلسفه اختصاص داده است و سه اثرش را در تحلیل و نقد غالیان به رشته تحریر در آورده است. تمامی هفت اثر به زبان فارسی است.

۲،۱۰. مکاتب کلامی

هزارجریبی متکلمی است که نمایندهٔ مکتب کلامی شیعهٔ اثناعشری است. وی در مواضع متعدد، نحلهٔ معروف کلامی یعنی اشاعره و بسیار محدودتر برخی نحله‌های دیگر همچون معتزله و مرجئه را نقد می‌کند. مثلاً هزارجریبی در رسالهٔ «منبّه‌المغروین» بعد از بیان برخی از معتقدات مذهب اثناعشری دربارهٔ توحید همچون: حی و احد و عادل و حکیم و قادر علی‌الاطلاق بودن خدا، و جوهر و عرض و مکان‌مند و جهت‌دار نبودنش، گوید که گروه اشاعره در جمیع این‌ها مخالفت کرده است (نسخهٔ خطی منبّه‌المغروین، کتابخانهٔ ملی، ش: ۳۲۱۴۹-۵).

از فروعات کلامی که هزارجریبی در آن، بسیار به اشاعره تاخته است، بحث بسیار جبر و اختیار است. اشاعره و معتزله در این مسئله، راه افراط و تفریط را پیموده و از حقیقت که حد وسط است دور افتاده‌اند. هزارجریبی افعال بندگان را فعل تقدیری خدا و فعل تکوینی بنده بیان کرده است. این نظریه، تفسیری است از جملهٔ معروف امام صادق ع: «امر بین الامرین». وی اعتقاد اشعری (قائل به جبر هستند) و همچنین اعتقاد مفضّضه را به‌خاطر توالی فاسدی که دارد، کفر دانسته است.

مسئلهٔ جبر و اختیار و اثبات مختار بودن انسان‌ها در افعالشان به‌قدری برای هزارجریبی ارزش داشته است که وی چندین مرتبه در آثار مختلفش تأکید کرده است که «خالق همه‌چیز غیر از افعال انسان‌ها خدا است» و برای این موضوع مستقلاً رسالهٔ «جبر و اختیار/ عدلیه» را نگاشته است. این رساله، در کلام و اعتقادات و به فارسی است و اطلاعات نسخه‌شناسی آن عبارت است از: جبر و اختیار (عدلیه)، قم، کتابخانهٔ طبسی (امام رضا ع)، شمارهٔ بازیابی: ۶۰۰/۲، نسخ، ۱۲۲۴ق، ۱۹ برگ.

۱۱- نقد سندی و مدلولی روایات

هزارجریبی در رسالهٔ «فوائد لطیفه» در نقد حدیثی که معنا و مدلول آن عقلایی نیست و تفسیری نادرست از «فطرت» ارائه کرده است، به نقد دلالتی (مدلولی) و سندی روایت می‌پردازد. در نقد سندی روایت، به واحد بودن خبر مذکور استدلال کرده و خبر را از جهت صدور آن از معصوم (ع) مخدوش می‌کند. این نگرش هزارجریبی نسبت به خبر واحد، حاکی از روحیهٔ اخباری‌گری‌ستیزی وی است. و در نقد دلالتی نیز، علاوه بر آنکه معنای حدیث را مخالف حکم قطعی عقل دانسته است، روایت را مجمل معرفی کرده است.

به عنوان نمونه، وی تصریح می‌کند «بدانکه بعضی از جهّال گمان کردند هرکه در عالم است، اصل آن است که آن کس مسلمان باشد برای آن حدیثی که وارد شده است که «کل مولود یولد بالفطرهٔ آتما ابواه

یهودانه و یسنترانه و یمجسانه^۱» (ابن ابی‌جمهور، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۵) و این گمان جاهلان، غلط است به چندین سبب: اول آنکه این‌ها اخبار آحاد است و اخبار آحاد مفید علم و عمل نیست و دوم آنکه این حدیث معارض با عقل است و درایت مفید قطع است و روایت مفید ظن است و ظن معادل قطع نیست. (ر.ک: هزارجریبی، فواید لطیفه، کتابخانه فیضیه، شماره نسخه: ۱۲۳۹/۶)

۱۲- ادبیات دشنام و ناسزا

هزارجریبی در نقد عرفا و متصوفه گاهی عنان از دست داده و به آن‌ها ناسزا و دشنام داده و لعن و نفرین می‌کند. این‌گونه منش و روش در مسائل علمی زبنده نیست. نمونه‌هایی از رساله «منبه المغرورین»: «عطار حمار پسر حمار در کرامت بُشر نقل کرده است که تا بُشر در حیات بود، اسبان بغداد فضله نینداختند.» (همو، نسخه خطی منبه المغرورین، کتابخانه ملی، شماره نسخه: ۵-۳۲۱۴۹) و یا «و آن خبیث در کتاب فتوحات گفته است که تمام خلق اعراض‌اند. در هر لحظه تمام مخلوقات معدوم می‌شوند و موجود می‌گردند در همان لحظه بی‌فاصله. این سخن او خلاف عقل و نقل و ضرورت دین است و بطلان آن بر هر جاهل ظاهر است.» (همان)

بررسی و نقد؛ ناقد هرچقدر هم که از سخن غیرعقلانه و دین‌برکن دیگران ناراحت و خشمگین شود، شایسته است که صبر را از دست ندهد. ناسزاگویی نه‌تنها اینکه ثمره‌ای ندارد بلکه ممکن است ناظران و خوانندگان را نسبت به فحاش بدبین کرده و دیگر به سخنان و براهین و استدلال‌ش اعتبار نکنند.

شش. نتیجه‌گیری

درباره کیفیت استدلال و استشهاد مرحوم هزارجریبی بر گزاره‌های دینی و چگونگی پاسخ به شبهات، دو بخش ویژگی‌ها و روش‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته و به نتایج زیر دست می‌یابیم:

ملا محمد کاظم هزارجریبی در بسیاری از آثارش به نقش مهم خود به عنوان عالم دینی جامه عمل پوشانده و به استدلال و استشهاد بر گزاره‌های دینی پرداخته و در حد توان از آموزه‌های دینی دفاع نمود.

۱. ترجمه: هر طفلی متولد می‌شود به فطرت و اسلام. به‌درستی که پدران و مادران ایشان، ایشان را یهودی و نصرانی و مجوسی می‌کنند.

از ویژگی‌های مهم وی در استدلال و استشهاد بر گزاره‌های دینی، عشق و ارادت به ائمه معصومین (ع) بود که در کنار قرآن کریم به آن توجه می‌نمود. ویژگی دیگر، توجه به هججه‌های مخالفان و معاندان بود که تلاش نمود با مطالعات پُردامنه و با نگرش آسان و روان دینداری مردم زمانش را تقویت نماید.

مرحوم هزارجریبی از روش‌های مختلفی برای اثبات و دفاع از گزاره‌های دینی استفاده می‌کرد. گاهی به روش تالیف کتاب رو می‌آورد که پاسخ محکمی بر معاندان و شبهه افکنان باشد. روش حلی و نقضی در بخش‌های مختلفی از آثارش مشاهده می‌شود و برهان سازی‌های مختلفی انجام می‌دهد. نیز، استناد به برخی روایات مرتبط، استناد به ادعیه و زیارات، استناد به آراء مجتهدان، اعتماد بر نقل‌های تاریخی و مسموعات در روش وی مشهود است. وی در بررسی دیدگاه‌های مخالفان به ظاهر عبارات اکتفا می‌نمود و به نقد مکاتب فکری و کلامی می‌پرداخت که گاهی به نقد سندی و مدلولی روایات مدعا شده می‌پرداخت.

متأسفانه در کنار مزایای روشی مرحوم هزارجریبی در اثبات و دفاع از گزاره‌های دینی، برخی نقدها نیز به این روش وارد است؛ به عنوان نمونه، تخطئه برخی فیلسوفان و عرفا و گاهی استفاده از ادبیات دشنام و ناسزا را می‌توان از آن موارد به حساب آورد.



فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، (۱۴۰۳ق)، الذریعه الى تصانیف الشیعه، بیروت، نشر دارالاضواء، چ سوم.
۳. ابن ابی جمهور، محمدبن زین الدین(۱۳۶۲)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، تحقیق مجتبی عراقی، قم، سیدالشهداء.
۴. اسحاقی، سیدحسین(۱۳۹۰)، دعا ارمغان آرامش، مشهد، انتشارات خادم‌الرضا.
۵. امین، سیدحسن، (۱۴۰۸ق)، مستدرکات اعیان الشیعه، بیروت: نشر دار التعارف للمطبوعات.
۶. بابایی، رضا، (۱۳۹۴)، بهتر بنویسیم: درس‌نامه درست‌نویسی ساده‌نویسی و زیبانویسی، قم، نشر ادیان (وابسته به دانشگاه ادیان و مذاهب)، چ سوم.
۷. جوادی آملی، عبدالله(۱۳۸۱)، ادب فنای مقربان، قم، نشر اسراء.
۸. جهان‌بخش، جويا، (۱۳۹۱)، مزدک‌نامه ۵: یادبود پنجمین سالگرد درگذشت مهندس مزدک کیان فر، «ملا محمدکاظم هزارجریبی و دو رساله غلوستیزانه‌اش»، به‌کوشش: پروین استخری و جمشید کیان‌فر، تهران، انتشارات پروین استخری، چ اول، ص ۵۱-۱۱۰.
۹. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۴ق الف)، ادوار الفقه الامامی، قم: نشر مؤسسه امام صادق(ع).
۱۰. -----، (۱۴۲۴ق ب)، معجم طبقات المتکلمین، قم: نشر مؤسسه الإمام الصادق(ع).
۱۱. -----، (۱۴۱۸ق)، موسوعه طبقات الفقهاء، قم: نشر مؤسسه الإمام الصادق(ع).
۱۲. -----، (۱۳۹۶)، آموزش آسان اصول‌فقه: ترجمه و تلخیص کتاب الموجز به‌صورت پرسش و پاسخ، مترجم و محشی: علی قنبریان، مقدمه: آرمان نادری کمشوری، تهران، انتشارات میراث فرهیختگان با همکاری و نظارت مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض، چ اول.
۱۳. صفری، علی‌اکبر(۱۳۹۳)، جشن‌نامه آیت‌الله رضا استادی، «فهرست خودنوشت ملا محمدکاظم هزارجریبی»، به‌کوشش: رسول جعفریان، قم، نشر موزخ با همکاری کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، چ اول، ص ۹۰۷-۹۱۹.
۱۴. صلح‌جو، علی(۱۳۹۴)، نکته‌های ویرایش، تهران، نشر مرکز، چ پنجم.

۱۵. طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۴۱۱ق)، مصباح‌المتهجّد و سلاح‌المتعبد، بیروت، ناشر: مؤسسه فقه الشیعه، چ اول.
۱۶. قنبریان، علی، رساله دکتری: تصحیح نسخه‌های کلامی هزارجریبی و تبیین آراء کلامی ایشان، استاد راهنما: سیدمجتبی میردامادی و سیدجواد نعمتی، سال دفاع: ۱۳۹۸، رشته مدرّسی معارف اسلامی: گرایش مبانی نظری اسلام، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران.
۱۷. محمدی، علی (۱۳۷۸)، شرح کشف‌المراد، قم، ناشر: دارالفکر، چ چهارم.
۱۸. محمدی، محمدعلی، شیوه پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی ۶: اصول پاسخ‌دهی، ماهنامه اطلاع‌رسانی آموزشی پژوهشی مبلغان، مهر ۱۳۸۸، شماره ۱۲۱، ص ۴۵-۵۶.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷)، آموزش عقائد، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۰. المظفر، محمدرضا (۱۳۸۸ق)، المنطق، النجف‌الاشرف، مطبعة النعمان، الطبعة الثالثة.
۲۱. میردامادی، سیدمجتبی و قنبریان، علی، بررسی و تبیین آثار محمدکاظم هزارجریبی، مجله میراث شهاب: نشریه کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، سال بیست و یکم، شماره سوم و چهارم، شماره پیاپی ۸۱-۸۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۹۷-۱۵۸.
۲۲. نهاوندی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، العبقری الحسان، محقق و مصحح: حسین احمدی قمی و صادق برزگر، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، چ اول.
۲۳. هاشم‌نژاد، حسین (۱۳۹۸)، فلسفه هنر به بیان ساده، تهران، انتشارات میراث فرهیختگان: همکاری و نظارت در چاپ و نشر: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض، چ اول.
۲۴. هزارجریبی، محمدکاظم (۱۳۹۵)، مجموعه آثار محمدکاظم هزارجریبی: کاشف‌العدل اقناعیه برهانیّه، مصحح و محشی: علی قنبریان و علی کریمی، تهران، نشر صبا، چ اول.
۲۵. -----، (۱۳۹۶)، فواید و برکات اسلام و ایمان: تصحیح رساله دعائم‌الاسلام، تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان، مقدمه: وحید حاتمی شندی، تهران، نشر میراث فرهیختگان، چ اول.
۲۶. -----، ۱۳۹۸ش، سنجش و نقد فلسفه و عرفان: تصحیح رساله منبه‌المغرورین، مصحح و محشی: علی قنبریان، مقدمه: علیرضا لیاقتی، سفارش‌دهنده: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض، تهران، نشر میراث فرهیختگان، چ اول.

۲۷. ----- (۱۳۹۷) الف، زیارت معصومین(ع): تصحیح رساله تاریخیه، تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان، تهران، نشر میراث فرهیختگان با همکاری و نظارت: مؤسسه فرهنگی هنری «نوبین پژوهش فیاض»، چ اول.
۲۸. ----- (۱۳۹۷) ب، کرامت‌های حضرت علی(ع): تصحیح رساله معجزات، تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان، تهران، نشر میراث فرهیختگان با همکاری و نظارت: مؤسسه فرهنگی هنری «نوبین پژوهش فیاض»، چ اول.
۲۹. ----- (۱۳۹۷) ج، مناظره علامه بحر العلوم با یهودیان ذوالکفل: تصحیح رساله جدلیه، مصحح و محشی: علی قنبریان، مقدمه: علیرضا لیاقتی، تهران: نشر میراث فرهیختگان، به سفارش: مؤسسه فرهنگی هنری نوبین پژوهش فیاض.

نسخه‌های خطی

۳۰. هزارجریبی، محمدکاظم، اثبات الصانع و اصول دین، قم، کتابخانه مسجد اعظم، شماره نسخه: ۴۱۴/۱.
۳۱. ----- البراهین الجلیه فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریه، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۴۵۲۷/۵.
۳۲. -----، برهانیه بزرگ/ البرهان الجلیه فی اثبات حقیقه الاثنی عشریه، قم، کتابخانه طبسی (امام رضا(ع))، شماره بازیابی: ۳۰۷/۱۰.
۳۳. -----، برهانیه بزرگ/ البرهان الجلیه فی اثبات حقیقه الاثنی عشریه، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، شماره بازیابی: ۷۲۸۰.
۳۴. -----، برهانیه کوچک(البراهین الجلیه فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریه)/ افضلیت ائمه از انبیا/ تفضیل الائمة علی غیر جدّهم من الانبیاء، تهران، کتابخانه مروی، شماره نسخه: ۹۵۲.
۳۵. -----، جدلیه، تهران، کتابخانه ملی، شماره نسخه: ۵-۱۴۶۲۸.
۳۶. -----، عدلیه (جبر و اختیار)، تهران، کتابخانه مجلس، شماره ۴۵۲۷/۲.
۳۷. -----، عدلیه (جبر و اختیار)، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، شماره ۴۳۷۰/۷.
۳۸. -----، عدلیه (جبر و اختیار)، قم، کتابخانه طبسی (امام رضا ع)، شماره بازیابی: ۶۰۰/۲، نسخ، ۱۲۲۴ق، ۱۹ برگ.
۳۹. -----، فواید لطیفه، قم، کتابخانه فیضیه، شماره: ۱۲۳۹/۶.

۴۰. -----، کاشف العدل، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه
۴۵۲۷/۳
۴۱. -----، کاشف العدل، قم، کتابخانه طبسی: شماره: ۶۰۰/۹.
۴۲. -----، کاشف الغلو و هادی أهل الغلو، قم، کتابخانه طبسی، شماره بازیابی:
۶۰/۱۳
۴۳. -----، کنزالفوائد، قم، کتابخانه فیضیه، شماره بازیابی: ۱۰۰۶، میرکریم، نسخ،
۱۲۹۹ق، ۲۱۲ برگ.
۴۴. -----، معجزات، قم، کتابخانه فیضیه، شماره نسخه: ۱۲۳۹/۵.
۴۵. -----، منبه الجهال علی وصف رئیس اهل الضلال، تهران، کتابخانه ملی، شماره
نسخه: ۵/۱۴۳۲۱.
۴۶. -----، منبّه المغرورین، تهران، کتابخانه ملی، شماره نسخه خطی: ۵-۳۲۱۴۹.
۴۷. -----، فهرست کتب، قم، کتابخانه طبسی (امام رضا ع)، شماره بازیابی:
۶۰۰/۱۵
۴۸. -----، رافعة التوهم، قم، کتابخانه طبسی (امام رضا ع)، شماره بازیابی: ۳۰۷/۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی